

استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی علیه ایران در جنگ تحمیلی: مسئولیت اشتقاقی ایالات متحده امریکا

محمد ستایش پور* - عبدالله عابدینی**

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۷/۲۷ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۱/۲۱)

چکیده

در دنیای کنونی بین‌المللی، ارتکاب اعمال متخلفانه‌ای که بیش از یک بازیگر در آن نقش دارند افزایش یافته است. از این رو، طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت و طرح ۲۰۱۱ این نهاد در خصوص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، به مسئولیت در ارتباط با عمل غیر، که از آن به مسئولیت اشتقاقی یاد شده است، توجه داشته و نیز محاکم بین‌المللی و در رأس آن‌ها دیوان بین‌المللی دادگستری به اقتضای قضایای مطروح، آن را تأیید کرده‌اند. نقش آمریکا در کمک به عراق، طی جنگ علیه ایران، در به‌کارگیری سلاح‌های شیمیایی، مجال خوبی برای اعمال مسئولیت اشتقاقی فراهم ساخته است. پرسش اصلی این مقاله آن است که آیا در پهنه مسئولیت بین‌المللی دولت، می‌توان آمریکا را از باب کمک و تجهیز عراق در به‌کارگیری تسلیحات شیمیایی علیه ایران، مسئول دانست؟ آگاهی آمریکا از حملات شیمیایی عراق علیه ایران و تعهد هر دو کشور، به‌طور مثال به پروتکل ۱۹۲۵ ژنو موجب می‌شود تا کمک آمریکا به عراق، مسئولیت این کشور را به دنبال داشته باشد.

واژگان کلیدی: جنگ عراق علیه ایران، حملات شیمیایی عراق، مسئولیت آمریکا، طرح ۲۰۰۱، مسئولیت اشتقاقی

* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)

mohamadsetayesh@ut.ac.ir
s_abedini_a@ut.ac.ir

** استادیار حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران (پردیس فارابی)

مقدمه

مداخلات عراق در مرزهای ایران، سابقه‌ای طولانی دارد (زمانی، ۱۳۸۱: ۴۳). با برافروخته شدن آتش جنگ عراق علیه ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، (زمانی، ۱۳۸۰: ۲۹) (وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۱: ۴۵، ۴۶ و ۱۰۱)^۱ نیروهای عراقی به کارگیری تسلیحات شیمیایی علیه ایران را از ۲۳ دی ماه همان سال آغاز کردند (علایی و خواجه کاووسی، ۱۳۷۱: ۴۷) و از آن پس، به کارگیری این سلاح خانمان‌برانداز را که به جهت فناوری ساده‌ای که دارد از آن به «بمب اتمی فقرا» یاد می‌شود در پیش گرفتند (زمانی، ۱۳۷۶: ۴۸) (هدایتی خمینی، ۱۳۷۰: ۱۸۰). بر اساس آمار ارائه‌شده از گزارش‌های حملات شیمیایی دشمن، روند استفاده عراق از این سلاح ممنوعه رو به فزونی داشته است، به گونه‌ای که تعداد حملات عراق در «نمودار رشد نسبی» قریب به ده حمله در سال نخست از آغاز جنگ تحمیلی بود، حال آنکه حدود ۴۵ حمله در سال ۱۳۶۷ خورشیدی صورت گرفت (جعفری ولدانی، ۱۳۶۷: ۳۶۴). در این میان، سخن از یاری کشورهای دیگر نیز گفته می‌شود (زمانی، ۱۳۸۶: ۳۱۵). منابع تأمین کننده جنگ‌افزارهای شیمیایی عراق، به‌طور عمده، دو کشور انگلستان و آلمان غربی بودند.

اصل بی‌طرفی، حاکم بر روابط دو دولت دشمن با دولت‌های غیر، در زمان جنگ است.^۲ به بیان *بندشدر*، طبق این اصل، «اقداماتی که کمک به دولت‌های درگیر در جنگ به حساب آید یا به متخاصمان، زیان وارد کند، ممنوع است. این ممنوعیت، حتی در صورت رفتار مساوی با طرف‌های متخاصم، ادامه پیدا می‌کند». (Bindschedler, 1982: 12) ایالات متحده آمریکا هم باوجود آنکه بر طبل بی‌طرفی می‌کوبید و در طول هشت سال جنگ، بارها بر بی‌طرفی خود تأکید داشت،^۳ اندکی نگذشت که با تجهیز نیروهای عراقی به یاری صدام شتافت (زمانی، ۱۳۷۶: ۴۸).^۴ اگرچه شاید کمک آمریکا در این سناریویی که علیه ایران صورت گرفت،

۱. نیز جهت مطالعه علل شروع جنگ هشت ساله، ن.ک: درودیان، محمد، (۱۳۷۵)، «علل تهاجم و توقف اولیه عراق: بررسی نظریه‌های موجود»، شماره‌های ۱۵ و ۱۶، مجله سیاست دفاعی، پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع)، صص ۵۹ و ۶۰.
 ۲. جهت مطالعه بیشتر در خصوص حقوق بی‌طرفی، ن.ک: زمانی، سیدقاسم، (۱۳۸۰)، *تأملی بر رعایت حقوق بی‌طرفی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران*، چاپ اول، تهران: شهر دانش.

۳. در این باره، ن.ک:

Department of State Bulletin (July 1981), pp. 17, 82 Department... (July 1982), pp. 45, 82, 83... (July 1983), pp. 85, 89... (April 1985), pp. 57, 86... (March 1986), pp. 41, 87... (July 1987), pp. 59, 62, 88... (July 1988), p. 61.

۴. جهت آشنایی بیشتر با نقش آمریکا و شرکت‌های آن در حمله عراق علیه ایران اسلامی، ن.ک: کیت آر. تیمرن، (۱۳۷۳)، *سوداگری مرگ: غرب چگونه عراق را مسلح کرد*، ترجمه احمد تدین، چاپ اول، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، صص ۷۵۷-۷۶۴ و همچنین در تضاد حرف و عمل کشورهای مدعی بی‌طرفی، ن.ک: سیدعلی اصغر کاظمی، (۱۳۷۰)، *مفهوم و ماهیت اصول حقوقی بی‌طرفی در جنگ‌های امروزی*، مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ص ۴۷۹.

اساسی نبوده باشد،^۱ اظهارات سران آمریکا و افشای آنان، نشان از نقش عمده آمریکا در تراژدی استفاده از جنگ‌افزارهای شیمیایی علیه ایران در جنگ ۸ ساله دارد. سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا ایفای بازی آمریکا در این تراژدی، هیچ مسئولیتی را بر آن بار نمی‌کند؟

جستار پیش رو برای یافتن پاسخ به این پرسش، بر آن است تا از رهگذر تبیین مسئولیت اشتقاقی در گستره مسئولیت بین‌المللی دولت، به قابلیت اعمال این قسم از مسئولیت در قبال نقش آمریکا در جنگ عراق علیه ایران بپردازد که خود می‌تواند بایی باشد برای احراز مسئولیت هر کشوری که به این نحو، عراق را یاری رسانده است. در این باره، شایسته یادآوری است که به نقل از نیویورک تایمز، ایران در سال ۱۹۸۴ نسبت به ارائه کمک‌های نظامی و مالی بریتانیا به عراق که شامل سلاح‌های شیمیایی هم می‌شد اعتراض (The New York Times, 1984/3/6: A1) و نیز در ۱۹۹۸، موضعی مشابه علیه سودان اتخاذ کرد. (The New York Times, 1998/8/26: A8) کمیسیون حقوق بین‌الملل هم به این مطلب اشاره کرده است. (ILC Ybook, 2001(II,2): 66)^۲ موضع نخست با رد بریتانیا (The New York Times, 1984/3/5: A3) و موضع دوم با رد عراق (The New York Times, 1998/8/26: A8) مواجه شد. البته پرواضح است که گفتار حاضر در صدد تبیین مسئولیت آمریکا در این باره و تدقیق در منبای آن، صرف‌نظر از پرداختن به محکمه ذی صلاح است که خود مجال جداگانه‌ای را می‌طلبد.

۱. مسئولیت اشتقاقی^۳ در حقوق مسئولیت بین‌المللی دولت

مسئولیت اشتقاقی همان چیزی است که در حقوق داخلی از آن به مسئولیت ناشی از عمل دیگری یاد می‌شود. طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل به‌رغم آنکه با پرداختن به مسئولیت مستقل،^۴ سخن از مسئولیت مباشر عمل متخلفانه بین‌المللی به میان می‌آورد، از مسئولیت دولت یا دولت‌هایی که به‌نحوی از انحاء در ایفای آن نقش داشته‌اند هم غافل نمانده است. طرح ۲۰۱۱ همین نهاد که مأمور مذاقه در مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی شده است نیز به مسئولیت دولت در ارتباط با عمل متخلفانه بین‌المللی سازمان بین‌المللی می‌پردازد که به جهت

۱. به‌طور کلی بنا به آورده OECD، ایالات متحده آمریکا در صدور فناوری پیشرفته (اعم از شیمیایی و غیر آن) به عراق در سال‌های ۱۹۸۴ - ۱۹۸۹ نقشی به گسترده‌گی نقش برخی دیگر کشورهای غربی نظیر آلمان غربی، بریتانیا، ایتالیا و فرانسه نداشت. اما در صدور فناوری عادی، نقشی درخور ایفا می‌کرد. OECD, 1991, Mednews

۲. جهت مطالعه برگردان پارسی متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها، ن.ک: مسئولیت بین‌المللی دولت، متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل، (۱۳۹۲)، ترجمه علیرضا ابراهیم گل، زیر نظر سید جمال سیفی، چاپ پنجم، تهران: شهر دانش.

3. Derived Responsibility.

4. Independent Responsibility.

ملازمه آن با مقوله مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، در آن مجموعه مواد جای گرفته است. از این رو، موضوع مسئولیت بین‌المللی دولت در ارتباط با عمل متخلفانه بین‌المللی سازمان بین‌المللی از دایره مطالعه پژوهش حاضر، خارج است و در قسمت پیش رو، تنها به شرایط احراز مسئولیت بین‌المللی دولت در ارتباط با عمل دولت دیگر پرداخته می‌شود تا پژوهش از خواسته اصلی خود که احراز مسئولیت امریکا در ارتباط با استفاده عراق از تسلیحات شیمیایی در جنگ تحمیلی است به دور نیفتد.^۱

۱-۱. مسئولیت اشتقاقی داخل در دایره طرح ۲۰۰۱

با پیچیدگی روزافزون روابط بین‌المللی، ارتکاب اعمال متخلفانه‌ای که بیش از یک بازیگر در آن نقش دارند افزایش یافته است (ممتاز و همکاران، ۱۳۷۷: ۳). در دنیای حقوق مسئولیت بین‌المللی، اقسام متعددی از مسئولیت مطرح شده است. مسئولیت انفرادی و تضامنی،^۲ مسئولیت جمعی،^۳ مسئولیت ترکیبی^۴ و مسئولیت تعاونی،^۵ تنها نمونه‌هایی از این اقسام‌اند که البته بعضاً در برخی نقاط، با یکدیگر مشابهت‌هایی دارند به گونه‌ای که ترسیم تمایزی دقیق و موشکافانه میان آن‌ها کاری بس دشوار است. برخی به درستی تمامی این اقسام را ذیل عنوان کلی مسئولیت اشتراکی جای می‌دهند. (Nollkaemper and Jacobs, 2013: 3, 4) در همین راستاست که طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت، سخن از مسئولیت اشتقاقی کرده است (ILC Ybook, 2001(II,2): 65) و انتساب اعمال به یک دولت را مانع از انتساب همان عمل به دولت دیگر نمی‌داند. (Nollkaemper, 2011: 199) گرچه اصل اساسی مبنای این مجموعه، اصل مسئولیت مستقل است ((ILC Ybook, 2001(II,2): 65) برخی دیگر از مواد همین طرح به آن دسته از اعمال متخلفانه‌ای توجه داشته‌اند که بیش از یک دولت در نحوه ارتکاب آن دست دارند و بدین گونه است که مسئولیت اشتقاقی، استثنائی کلی بر اصل مسئولیت مستقل دانسته می‌شود. (ILC Ybook, 2001(II,2): 65) این همان چیزی است که در طرح ۲۰۱۱ همین نهاد در خصوص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی هم به آن توجه شده است.^۶

۱. جهت مطالعه بیشتر در خصوص تاریخچه، مبنا و قلمرو مسئولیت بین‌المللی اشتقاقی دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، ن.ک: محمد ستایش‌پور، مسئولیت اشتقاقی در نظام مسئولیت بین‌المللی (با تأکید بر طرح ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و طرح ۲۰۱۱ مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، زیر نظر مهدی حدادی، پردیس فارابی دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.

2. Joint and Several Responsibility.

3. Collective Responsibility.

4. Cumulative Responsibility.

5. Cooperative Responsibility.

6. For example see Articles on the Responsibility of International Organizations, ILC

فصل چهارم از بخش اول پیش‌نویس مواد ۲۰۰۱ این نهاد علمی به «مسئولیت دولت در برابر فعل دولت دیگر»^۱ می‌پردازد. (ILC Ybook, 2001(II,2): 64) نیز در ماده ۴۷ که ذیل فصل مربوط به «استناد به مسئولیت دولت» آمده، امکان مسئول دانستن دو یا چند دولت در برابر زیان واحد مطرح می‌شود. (ILC Ybook, 2001(II,2): 124) فصل پیش‌گفته، تنها سه حالت را داخل در مسئولیت اشتقاقی می‌داند: کمک یا مساعدت،^۲ هدایت و کنترل،^۳ و اجبار.^۴ نیز در شرح و تفسیر کمیسیون از قسمت (ب) بند ۲ ماده ۴۷ آمده است که بر اساس این قسمت، اگر بیش از یک دولت، مسئول زیان واحد باشند، مسئله نقش آن‌ها در این صدمه مطرح می‌شود. بنابر آورده کمیسیون، مسئول بودن یک دولت در ورود زیان، مانع از مسئولیت دولت یا دول دیگر در قبال همان زیان نیست. (Nollkaemper, 2011: 199) برای تعیین قابلیت یا فقد قابلیت اعمال مسئولیت اشتقاقی، ضروری است که نحوه بازی هر طرف در عمل متخلفانه بین‌المللی ارتکابی مشخص شود. (Nollkaemper & Jacobs, 2013: 393)

الف. کمک یا مساعدت در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی^۵

ماده ۱۶،^۶ اولین حالت از حالات سه‌گانه حصری داخل در مسئولیت اشتقاقی دولت را که در

Report on the work of its sixty-third session, UNGAOR 66th Sess., Supp. No. 10, UN Doc. A/66/10 (2011), p. 35.

جهت مطالعه برگردان پارسی متن و شرح مواد کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱)، ن.ک: عابدینی، عبدالله و روزگاری، خلیل، (۱۳۹۳)، حقوق مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، چاپ اول، تهران: خرسندی.

البته علی‌رغم هم‌سویی قواعد مسئولیت اشتقاقی در طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت و طرح ۲۰۱۱ همین نهاد در خصوص مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی، برخی تفاوت‌ها نیز به چشم می‌خورد. در این باره، ن.ک:

James D. Fry, (2014), Attribution of Responsibility, in A, Nollkaemper; I, Plakokefalos, *Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art*, Cambridge, Cambridge University Press, p. 123.

1. Responsibility of a State in Connection with the Act of Another State.

2. Aid or Assistance.

3. Direction and Control.

4. Coercion.

5. Aid or Assistance in the Commission of an Internationally Wrongful Act.

۶. ماده ۱۶ از طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت مقرر می‌دارد:

«دولتی که در ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر به او مساعدت یا کمک می‌کند در صورت وجود شرایط زیر، مسئولیت بین‌المللی دارد:

الف) آن دولت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی به این کار اقدام کند.

ب) فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب یافته بود فعل متخلفانه محسوب شود».

همسو با این موضوع در باب سازمان‌های بین‌المللی، ن.ک: مواد ۱۴ و ۵۸ از طرح مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱).

پیش‌تر، ماده ۲۷ از طرح ۱۹۷۸ کمیسیون حقوق بین‌الملل مقرر می‌داشت:

«در صورتی که احراز شود کمک یا مساعدت دولتی به دولت دیگر به‌منظور ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی دولت اخیر

طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت آمده است بیان می‌کند. (Lanovoy, 2014: 141) بر اساس این ماده، اگر دولتی، دولت دیگر را در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی کمک یا مساعدت کند، مسئول تلقی می‌شود. (D'Aspremont, 2007: 98) (Talmon, 2008: 218) برای اینکه دولتی را بتوان به جهت کمک یا مساعدت در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی مسئول دانست، احراز دو امر لازم است. نخست اینکه دولت از اوضاع و احوال عمل متخلفانه بین‌المللی آگاه باشد و دوم اینکه اگر دولت کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده، خودش هم عمل را انجام می‌داد، عمل متخلفانه آن به حساب می‌آمد. (ILC Ybook, 2001(II,2): 66) با این همه، مصادیق عینی کمک یا مساعدت مشخص نشده است و به همین خاطر است که برخی اظهار می‌دارند که کمک یا مساعدت، بیش از آنچه باید، منعطف و دایره‌اش گسترده است. (Fry, 2014: 116) در این باره شایان ذکر است که در چنین حالتی، دولت کمک‌کننده، تنها تا اندازه‌ای که رفتارش موجب فعل متخلفانه بین‌المللی شده یا به وقوع آن کمک کرده باشد مسئول است. به همین خاطر در مواردی که فعل متخلفانه بین‌المللی رخ می‌دهد، مسئولیت دولت کمک‌کننده، شامل جبران خسارت خود فعل نمی‌شود. (ILC Ybook, 2001(II,2): 66) به بیان دیگر، در تسهیم مسئولیت، دولت کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده، تنها مسئول رفتار خود است. (Fry, 2014: 116) بر اساس ماده ۱۶، دولتی که مسئولیت اصلی بر عهده اوست دولت مباشر است و دولت کمک‌کننده، صرفاً نقش حمایتی دارد. (ILC Ybook, 2001(II,2): 65) درخور امعان نظر است که مقرره‌های مربوط به کمک یا مساعدت، ضرورتاً متضمن کنترل دولت کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده بر دولت مباشر نیست. (Fry, 2014: 117) همچنین اگر ارگان مربوطه دولت مباشر، صرفاً «در اختیار»^۱ دولت متقاضی قرار گیرد، در مفهوم ماده ۶^۲ تنها دولت متقاضی، مسئول فعل مورد بحث خواهد بود. (ILC Ybook, 2001(II,2): 64) لذا در این حالت، مسئولیت تضامنی نیست.^۳ مصداق کمک یا مساعدت، هرچه که باشد، متمایز از کنترل است. (Fry, 2014: 117)

دادگاه جهانی طی رسیدگی به قضیه «اجرای کنوانسیون منع و مجازات نسل‌زدایی» اعلام

بوده است، به‌خودی‌خود عمل متخلفانه بین‌المللی تلقی می‌شود حتی اگر چنین کمک یا مساعدتی نتواند به‌تنهایی موجب نقض تعهد بین‌المللی شود».

ILC Ybook 1978, Vol II, Part 2, p. 99.

1. at the Disposal.

۲. ماده ۶ از طرح ۲۰۰۱ بیان می‌دارد: «رفتار ارگان دولتی که در اختیار دولت دیگر قرار می‌گیرد به‌موجب حقوق بین‌الملل، فعل دولت اخیر تلقی می‌شود اگر آن ارگان در اعمال عناصری از اقتدارات حکومتی دولتی که در اختیار او قرار گرفته است اقدام کند».

۳. مقایسه کنید با:

J. Quigley, "Complicity in International Law: A New Direction in the Law of State Responsibility", BYIL, 1986, p. 77.

داشت که «همکاری (در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی) همواره مستلزم آن است که برخی اقدامات مثبت برای ارائه کمک یا مساعدت به مرتکب نسل‌زدایی صورت گرفته باشد... همکاری از فعل ناشی می‌شود».^۱ از کتابی که آخرین گزارشگر کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت به‌تازگی نوشته است می‌توان برداشت کرد که ماده ۱۶ تنها ناظر بر افعال مثبت است و ترغیب فعالانه و صرف ترک فعل برای اثبات مسئولیت دولت همکاری‌کننده، کافی به شمار نمی‌آید. (Crawford, 2013: 405) حال آنکه لانونوی به‌درستی اظهار می‌دارد که دیدگاه پیش‌گفته با آنچه در ماده ۲ از طرح ۲۰۰۱ آمده است مغایرت دارد چرا که از لحاظ اصول، هیچ تفاوتی میان فعل و ترک فعل وجود ندارد و مبنای تخلف بین‌المللی در حوزه مسئولیت بین‌المللی دولت در این مجموعه بر فعل و ترک فعل بنا شده است (Lanovoy, 2014: 145) و فعل و ترک فعل، هر یک به‌تنهایی می‌توانند بستر مسئولیت بین‌المللی دولت را فراهم آورند. (ILC Ybook, 2001(II,2): 35)

ب. اعمال هدایت و کنترل بر ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی^۲

دومین حالت حصری داخل در مسئولیت اشتقاقی دولت، بدان‌گونه که طرح ۲۰۰۱ کمیسیون بیان داشته است، هدایت و کنترل ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی است. ماده ۱۷ از این مجموعه مواد به این امر پرداخته است. (ILC Ybook, 2001(II,2): 68) با اکتفا بر آنچه در این ماده آمده است اعمال هدایت و کنترل توسط یک دولت بر ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر، مسئولیت دولت هدایت و کنترل‌کننده را به همراه دارد.^۳ در این حالت هم‌نظیر حالت قبل، هیچ تعریف دقیقی از هدایت و کنترل وجود ندارد و مصادیق و دایره شمول آن به‌طور کامل مشخص نیست. (Fry, 2014: 118) با این همه، آقای کرافورد، بنا به آورده کمیسیون حقوق بین‌الملل بر این باور است که «کنترل»^۴ یعنی «تسلط بر ارتکاب

1. ICJ, Case concerning Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, 2007: 179, 180

2. Direction and Control Exercised Over the Commission of an Internationally Wrongful Act.

۳. ماده ۱۷ از طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت مقرر می‌دارد: «دولتی که ارتکاب فعل متخلفانه بین‌المللی توسط دولت دیگر را هدایت و کنترل می‌کند در صورت وجود شرایط زیر، مسئول آن فعل خواهد بود:

الف) آن دولت با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه بین‌المللی به این کار اقدام کند؛

ب) فعل مزبور اگر توسط خود آن دولت هم ارتکاب می‌یافت یک فعل متخلفانه بین‌المللی به حساب می‌آید».

۴. همسو با این موضوع در باب سازمان‌های بین‌المللی، ن.ک: ماده ۱۵ از طرح مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱).

رفتار متخلفانه». نیز صرف انگیزه دادن، تشویق، تحریک و اموری از این دست، در دایره شمول «هدایت» نمی‌گنجد، بلکه «هدایت»^۱ باید واقعی^۲ و عملیاتی^۳ باشد. لذا صرف کنترل کلی کفایت نمی‌کند بلکه کنترل و هدایت باید واقعی باشد. در این حالت، به واقع، دولت، تحت کنترل و هدایت، مرتکب عمل متخلفانه بین‌المللی می‌شود اما این امر، مانع از مسئول دانستن دولت کنترل و هدایت کننده نیست.^۴ بنا به آورده کمیسیون حقوق بین‌الملل، در باب تفاوت تسهیم مسئولیت میان آنچه ماده ۱۶ (کمک یا مساعدت) بیان می‌کند و آنچه در ماده ۱۷ (هدایت و کنترل) مقرر شده است، شایسته یادآوری است که به موجب ماده ۱۶، دولت معاون در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، تنها به میزان همان کمک یا مساعدتی که کرده است مسئولیت دارد، ولی دولتی که بر ارتکاب یک فعل متخلفانه توسط دولت دیگر هدایت و کنترل دارد، مسئول آن فعل خواهد بود زیرا بر انجام کل آن فعل، هدایت و کنترل داشته است (ILC Ybook, 2001(II,2): 68). با این همه، کمیسیون حقوق بین‌الملل اظهار می‌دارد که بیشتر در بوته آزمون تاریخ می‌توان به دنبال یافتن مصادیقی بود که مشمول این حالت می‌شوند. (ILC Ybook, 2001(II,2): 68)

ج. اجبار دولت دیگر^۵

ماده ۱۸ از طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت، به آخرین حالت از حالت‌های سه‌گانه حصری داخل در دایره مسئولیت اشتقاقی مذکور در طرح ۲۰۰۱ پرداخته است.^۶

به موجب این ماده، دولتی که دولت دیگر را به ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی اجبار کند، مسئول تلقی می‌شود.^۷ «اجبار» نیز همچون دو حالتی که پیش از این بیان شد، تعریف مشخصی ندارد. اما پرواضح است که فقد تعریف از «اجبار»، نه تنها به مثابه آن نیست تا هر عملی که با

1. Direction.
2. Actual.
3. Operative.

۴. نیز در خصوص رابطه میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی در «کنترل و هدایت» ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، ن.ک:

A. Reinisch, "Aid or Assistance and Direction and Control between States and International Organizations", *International Organizations Law Review*, Vol. 7, 2010, Issue 1, pp. 63–77.

5. Coercion of another State.

۶. ماده ۱۸ از طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت مقرر می‌دارد: «دولتی که دولت دیگری را به ارتکاب فعلی مجبور می‌کند مسئولیت بین‌المللی دارد، در صورتی که آن فعل:

الف) مستقل از آن اجبار، فعل متخلفانه بین‌المللی ارتکابی دولت تحت اجبار تلقی شود؛

ب) دولت اجبارکننده با آگاهی از شرایط فعل متخلفانه به این کار اقدام کند».

۷. همسو با این موضوع در باب سازمان‌های بین‌المللی، ن.ک: مواد ۱۶ و ۶۰ از طرح مربوط به مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی (۲۰۱۱).

دشواری انجام شده است مصداق «اجبار» دانسته شود، بلکه لازم است آستانه بالایی برای آن قائل شد. آخرین گزارشگر ویژه کمیسیون حقوق بین‌الملل در تهیه پیش‌نویس مواد ۲۰۰۱، تنها در صورتی دولت را تحت اجبار^۱ قلمداد می‌کند که دولت مزبور، هیچ راه دیگری جز تسلیم در برابر «اجبار» نداشته باشد. به تعبیری دیگر، در این حالت، دولت تحت اجبار، کاملاً تحت کنترل دولت اجبارکننده است. (Fry, 2014: 120) به موجب طرح پیش‌گفته، مسئولیت دولت اجبارکننده، از باب رفتار متخلفانه‌ای است که دولت تحت اجبار انجام داده است. در این حالت، برخلاف دو حالت قبل، این امکان وجود دارد که دولت تحت اجبار، اختیار و توانایی خود را به‌طور کامل از دست داده باشد و به بیانی بهتر، ناچار به زانوزدن در برابر دولت اجبارکننده در انجام عمل متخلفانه بین‌المللی بوده باشد.^۲ از این رو، همین امر سبب می‌شود تا این امکان وجود داشته باشد که هیچ مسئولیتی بر کشور تحت اجبار بار نشود و در عوض، طرف اجبارکننده، مسئول کل عمل طرف دیگر قلمداد شود. (Fry, 2007: 629)

۲-۱. مسئولیت اشتقاقی در رویه بین‌المللی

با کنکاش در تصمیمات محاکم بین‌المللی می‌توان رد پای مسئولیت اشتقاقی را در برخی تصمیمات دیوان بین‌المللی دادگستری، نظیر قضیه کانال کورفو ۱۹۴۹،^۳ قضیه فعالیت‌های نظامی و شبه نظامی در و علیه نیکاراگوئه ۱۹۸۴،^۴ قضایای اقدامات مسلحانه مرزی و فرامرزی ۱۹۸۸،^۵ قضیه Phosphates Certain ۱۹۹۲،^۶ قضیه تیمور شرقی ۱۹۹۵،^۷ رأی ۲۰۰۳ همین دادگاه دادگاه در قضیه سکوه‌های نفتی^۸ و نیز قضیه اجرای کنوانسیون پیشگیری و مجازات جرم

۱. کمیسیون حقوق بین‌الملل، دولت تحت اجبار را دولتی دانسته است که اهلیت اتخاذ تصمیم از او سلب شده باشد. ILC Ybook 1979, Vol. II, part. 2, p. 102.

جهت مطالعه دیدگاهی انتقادی بر این موضع کمیسیون، ن.ک:

James D. Fry, "Coercion, Causation, and the Fictional Elements of Indirect State Responsibility", *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, Vol. 40, No. 3, 2007, p. 629. Available at: <http://www.vanderbilt.edu/jotl/manage/wp-content/uploads/Fry.pdf>

۲. در مقام قیاس با آنچه در طرح ۲۰۱۱ همین نهاد علمی آمده است می‌توان گفت این امکان وجود دارد که شخصیت حقوقی سازمان بین‌المللی تحت اجبار، زایل شود.

3. Corfu Channel (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania), *ICJ Reports*. 1949.

4. Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America). *ICJ Reports*. 1984.

5. Border and Transborder Armed Actions (Nicaragua v. Costa Rica). *ICJ Reports*. 1988; Border and Transborder Armed Actions (Nicaragua v. Honduras), *ICJ Reports*, 1988.

6. Certain Phosphate Lands in Nauru (Nauru v. Australia), *ICJ Reports*, 1992.

7. East Timor (Portugal v. Australia). *ICJ Reports*. 1995.

8. Case concerning Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America), *ICJ Report*, 2003.

جهت مطالعه برگردان پارسی تصمیمات پیش‌گفته، ن.ک: محمدرضا ضیائی بیگدلی، (۱۳۹۲، ۱۳۹۳)، *آراء و نظریات*

نسل‌زدایی ۲۰۰۷^۱ جستجو کرد. همچنین دادگاه اروپایی حقوق بشر طی قضیه Soering ۱۹۸۹،^۲ پرونده کروزر و آراس و دیگران علیه سوئد ۱۹۹۱^۳ و رسیدگی به دعوی ویلواراجاه و دیگران علیه انگلستان ۱۹۹۱^۴ به این قسم از مسئولیت توجه داشته است.

با توجه به آنچه در طرح ۲۰۰۱ آمده است این امکان وجود دارد که دولتی به موجب تعهدات بین‌المللی خود، ملزم به پیشگیری از برخی رفتارهای دولت دیگر یا دست‌کم، جلوگیری از آسیب ناشی از چنین رفتاری باشد. دیوان بین‌المللی دادگستری طی رسیدگی به ماهیت قضیه کانال کورفو اظهار داشت که قصور آلبانی در عدم هشدار به کشتی‌های بریتانیایی در خصوص وجود مین‌هایی است که دولت ثالث در آب‌های آلبانی کار گذاشته است. در نتیجه، دیوان به این اصل توجه کرد که هیچ دولتی نباید اجازه دهد از سرزمینش علیه دولت دیگری به شکل متخلفانه استفاده شود. (ICJ, Corfu Channel, 1949: 22) لذا چنانچه کمیسیون حقوق بین‌الملل نیز بدان اشاره می‌کند، در این مورد، مسئولیت آلبانی، اصلی است و از متخلفانه بودن رفتار دولت دیگری ناشی نمی‌شود. (ILC Ybook, 2001(II,2): 64) نیز دیوان اروپایی حقوق بشر طی رسیدگی‌های خود در قضیه Soering مقرر داشت که استرداد شخص به دولتی که عضو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر نیست و این احتمال وجود دارد که در آنجا تحت مجازات‌های غیرانسانی و تحقیرآمیز و مورد آزار و اذیت قرار گیرد، نقض ماده ۳ کنوانسیون از سوی دولت مستردکننده قلمداد می‌شود. (ECHR, Soering, 1989: 33-36)^۵

همچنین، طرح قضایای نیکاراگوئه در دهه ۸۰ میلادی، این فرصت را به دیوان بین‌المللی دادگستری داد تا به اقتضای مباحث مطروح به مسئولیت اشتقاقی پرداخته شود. این قضایا بر دعوی نیکاراگوئه علیه ایالات متحده آمریکا، کاستاریکا و هندوراس به جهت نقشی که در کمک‌رسانی، کنترل و هدایت گروه‌های شورشی موسوم به کنتراها علیه نیکاراگوئه داشتند تمرکز داشت. دیوان طی رسیدگی به این قضایا استدلالی ارائه کرد که پیش از آن در قضیه کانال کورفو به کار بسته بود. دیوان اظهار کرد وقتی دو عمل متخلفانه وابسته به هم ارتکاب یابد، دیوان می‌تواند مستقلاً مسئولیت هریک از دول متخلف را احراز کند. (Nollkaemper,

مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول، جلد‌های اول، دوم، سوم، و چهارم.

1. Case concerning Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro), ICJ Report, 2007.

2. Soering v. the United Kingdom, ECHR, Ser. A, No. 161, 1989.

3. Cruz Varas and Others v. Sweden, ECHR., Ser. A, No. 201, 1991.

4. Vilvarajah and Others v. the United Kingdom, ECHR., Ser. A, No. 215, 1991.

۵. نیز ن.ک:

Cruz Varas and Others v. Sweden, ECHR., Ser. A, No. 201, 1991, p. 28, paras. 69-70; and Vilvarajah and Others v. the United Kingdom, ECHR., Ser. A, No. 215, 1991, p. 37, paras. 115-116.

(2011: 212) به همین خاطر، دیوان صرف‌نظر از اینکه هندوراس، طرف دعوا نبود، اظهار داشت این کشور به جهت اینکه اجازه داده است تا از سرزمینش برای توسل به زور علیه نیکاراگوئه استفاده شود، مرتکب عمل متخلفانه شده است. (Nollkaemper, 2011: 212) قضایای نیکاراگوئه در شمار نمونه‌هایی به شمار می‌آید که طی آن‌ها مسئولیت اشتقاقی در حقوق بین‌الملل به کار رفته است. رسیدگی دیوان به انحاء گوناگون همکاری در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی در این ایستگاه متوقف نشد و دگر بار، این فرصت دست داد تا طی رسیدگی به قضیه *Certain Phosphates* به این امر پرداخته شود. (ICJ, *Certain Phosphate Lands in Nauru*, Preliminary Objections, 1992: 258) سه دولت استرالیا، نیوزیلند و بریتانیا به همراه یکدیگر، دولت اداره کننده سرزمین تحت قیمومیت نائورو بودند. چنانچه طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل هم بدین مسئله اشاره می‌کند، رسیدگی‌های این قضیه در رابطه با اعمال سه کشور و به صورت مشترک، ابتدا تنها علیه استرالیا مطرح شد. اعمال ارتكابی استرالیا هم شامل اعمال «مشترک» سه دولت و اداره آن قلمرو توسط دولت از طرف سه دولت مزبور و هم اعمالی بود که از سوی خود این دولت انجام شده بود. (ILC Ybook, 2001(II,2): 64) در واقع، در اینجاست که سعی بر آن شده است تا میان مصادیق داخل در مسئولیت اشتقاقی و آنچه در ماده ۶ از طرح ۲۰۰۱ آمده است خط تمایزی کشیده شود.

نمونه دیگر را باید در اظهارات دیوان، طی رسیدگی به قضیه سکوه‌های نفتی جستجو کرد. امریکا ادعا داشت که جمهوری اسلامی ایران با نقض معاهده دوجانبه میان خود و آمریکا، مانع از ناوبری آزادانه این کشور در خلیج فارس شده است. دیوان بین‌المللی دادگستری در این قضیه لازم دانست تا ایالات متحده امریکا اثبات کند که ایران منفرداً^۲ با مین‌گذاری در خلیج فارس، تعهدات معاهده‌ای خود را نقض کرده است که درنهایت، منتج به ایراد زیان به امریکا شد. (Nollkaemper, 2011: 393) لذا به این ترتیب بود که قضیه ۲۰۰۳ ایران علیه امریکا، نمونه‌ای شد که دیوان بین‌المللی دادگستری در آن به مسئولیت اشتقاقی دولت پرداخت. (Nollkaemper, 2011: 221)

اگرچه این قضایا مطلبی جامع از مسئولیت اشتقاقی ارائه نمی‌کنند، متضمن اظهاراتی از برخی ابعاد آن هستند و به همین ترتیب است که تدریجاً جدول ایضاح مسئولیت اشتقاقی در کنار هم چیده می‌شود. اینک، دومین بخش به «قابلیت اعمال مسئولیت اشتقاقی در قبال کمک و مساعدت آمریکا در کاربست جنگ‌افزارهای شیمیایی» می‌پردازد.

1. See also *Certain Phosphate Lands in Nauru (Nauru v. Australia)*, ICJ Reports, 1992, The Separate Opinion of Judge Shahabuddeen, p. 284.

2. Individually.

۲. قابلیت اعمال مسئولیت اشتقاقی در قبال کمک یا مساعدت امریکا در کاربست

جنگ‌افزارهای شیمیایی

با توجه به آنچه در خصوص مسئولیت اشتقاقی گفته شد، این بخش در صدد است تا از پس بازگویی نقش امریکا در استفاده عراق از گازهای شیمیایی علیه ایران در جنگ هشت ساله، به مطابقت شرایط اعمال مسئولیت اشتقاقی آمریکا ناشی از کمک یا مساعدت در این باره بپردازد.

۲-۱. نقش امریکا در سناریوی استفاده عراق از گازهای شیمیایی علیه ایران در جنگ

تحمیلی^۱

ایران برای داشتن دست پُر در مسئول دانستن امریکا در استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، نیازمند مستند کردن حقایق مربوطه است زیرا ممکن است در گذر زمان، غبار فراموشی بر وقایع و فجایع ارتكابی نشست باشد. این در حالی است که استفاده از سلاح‌های شیمیایی در نظر افکار عمومی به اندازه‌ای زشت است که کشورهای استفاده‌کننده از آن، اقدامات خود را انکار می‌کنند (زمانی، ۱۳۷۶: ۵۳). باین همه، بنا به اظهارات والتر پی کنگ،^۲ مقام رسمی سازمان اطلاعات دفاعی امریکا،^۳ «استفاده عراق از گاز در جنگ با ایران، بحرانی راهبردی نیست که درخور باشد». وی از این حد، پا را فراتر گذاشت و گفت: «عراق برای حیات خویش، ناچار به انجام چنین اقداماتی علیه اهداف نظامی خود است». افسر دیگری از «DIA» اظهار داشت که «وضعیت عراق، رو به بهتر شدن است و پس از اندک زمانی، تسلیحات شیمیایی در پهنه‌ای وسیع‌تر به کار گرفته می‌شود». (RUPE, 2002: 1) هم در این راستا، با آغاز رسمی فصل روابط دیپلماتیک این دو کشور در نوامبر ۱۹۸۴ (Shalom, 2002: 2) و پاک‌شدن نام عراق از لیست کشورهای حامی تروریست از سوی امریکا، (Shalom, 2002: 1) ریگان اظهار داشت با هر هزینه‌ای که شده، باید پیروزی عراق در این جنگ تضمین شود. (Harries & Aid, 2013: 1)^۴ نیویورک تایمز در ۱۸ اوت ۲۰۰۲ نوشت «... افسران اذعان دارند که ایالات متحده امریکا به عراق کمک کرد درحالی که [عراق]

۱. در آوردن مستندات این بخش، تلاش نویسندگان بر آن بوده است تا به منابع دسته اول خارجی که بعضاً معارض هم هستند ولی از شدت بداهت بناچار، فجایع صورت گرفته را بیان کرده‌اند، استناد شود تا گمان نرود که این استنادات، ساخته احساسات ایرانی است.

۲. Walter P. Lang.

۳. Defence Intelligence Agency "DIA".

۴. See also Agence France Press, "US Gave Iraq Intel, Ignored Chemical Attacks in 1980s, Report Says" The Huffington Post, 26 August 2013. at:

<http://www.huffingtonpost.com/2013/08/26/usgave-iraq-intel-ignored-chemicalattacks_n_3817868.html>.

از گاز استفاده می‌کرد» (The New York Times, 2002/8/18). نیز طی مقاله‌ای در صفحه اول خود، به نقل از چندین تن از افسران بلندپایه امریکایی چنین نوشت:

«با کمک امریکا، عراق به استفاده کینه‌توزانه از گازهای شیمیایی مبادرت ورزید. دولت ریگان به صورت پنهانی، اطلاعات و نقشه‌های جنگی را در اختیار رژیم صدام قرار داد، با علم به اینکه نظامیان عراقی از این اطلاعات جهت حملات شیمیایی علیه سربازان ایرانی استفاده خواهند کرد» (The New York Times, 2002/8/18).

نیویورک تایمز در مقاله خود، جزئیات بیشتری را در مورد همکاری و کمک‌های مالی و نظامی امریکا به رژیم صدام در زمان جنگ عراق و ایران فاش کرد و گفت: «نه تنها دولت ریگان، چشمانش را بر این واقعیت یعنی استفاده از بمب‌های شیمیایی علیه سربازان ایرانی می‌بست بلکه کمک‌کننده اصلی در تهیه، ساخت و تکمیل بمب‌های شیمیایی، بیولوژیک و حتی هسته‌ای به رژیم صدام بوده است» (The New York Times, 2002/8/18). نیز مایکل دابس طی مقاله‌ای که در دسامبر ۲۰۰۲ در روزنامه واشنگتن تایمز نوشت، به نقل از رامزفلد، فرستاده ویژه رئیس جمهور ریگان در خاورمیانه، افشا کرد که دولت ریگان از حملات شیمیایی عراق به ایران آگاه بوده و در صدد کمک به این دولت برآمده است. (The Washington Times, 2002/12/16).

۲-۲. مطابقت نقش امریکا با مفاد مسئولیت اشتقاقی ناشی از کمک یا مساعدت

مواد مربوط به مسئولیت، متضمن دو شرط برای وجود عمل متخلفانه بین‌المللی هستند: نخست، قابلیت انتساب و دوم، نقض تعهد (ILC Ybook, 2001(II,2): 34). فارغ از منشأ و ماهیت آن. (ILC Ybook, 2001(II,2): 54). به طور کوتاه در باب مبانی ممنوعیت جنگ‌افزارهای شیمیایی باید گفت که سراغ ممنوعیت به کارگیری چنین گازهایی را می‌توان در هر دو منبع حقوق بین‌الملل عرفی و حقوق قراردادی گرفت. بیان کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های مربوط به ممنوعیت این جنگ‌افزارها به نحوی است که حکایت از عرفی بودن این ممنوعیت دارد (زمانی، ۱۳۷۶: ۳۸). مثلاً معاهده ورسای از سلاح‌های شیمیایی به نحوی که ممنوع شده است یاد می‌کند. معاهده واشنگتن ۱۹۲۲ و پروتکل ژنو ۱۹۲۵ از کاربرد سلاح‌های شیمیایی که محکوم و ممنوع اعلام شده است سخن به میان

۱. پروتکل ژنو ۱۹۲۵، استفاده از تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک را در جنگ ممنوع می‌کند. این پروتکل طی کنفرانسی در ژنو در زمان حیات جامعه ملل به امضا رسید. کنفرانس پیش‌گفته از چهارم مه تا ۱۶ ژوئن ۱۹۲۵ میلادی به درازا کشید. پروتکل ژنو در سال ۱۹۲۸ لازم‌الاجرا شد.

<http://www.un.org/disarmament/WMD/Bio/1925GenevaProtocol.shtml>

برای دسترسی به متن این پروتکل، ن.ک:

http://www.un.org/disarmament/WMD/Bio/pdf/Status_Protocol.pdf

نیز جهت ملاحظه قطعنامه‌های مجمع عمومی در خصوص پروتکل ژنو، ن.ک:

می‌آورند (زمانی و ساعد، ۱۳۹۲: ۲۰۳). (SIPRI (III), 1974: 24) در همین راستا، قطعنامه ۵ دسامبر ۱۹۶۶ مجمع عمومی سازمان ملل با اتفاق آرا و بدون رأی مخالف تصویب شد.^۱ نکته قابل توجه آنکه امریکا که تا زمان صدور این قطعنامه به عضویت پروتکل ژنو ۱۹۲۵ درنیامده بود نیز به این قطعنامه رأی مثبت داد. وفق این قطعنامه، پروتکل ژنو ۱۹۲۵ کلیه کشورها را صرف‌نظر از عضویت یا الحاقشان به آن معاهده ملزم می‌سازد (زمانی، ۱۳۷۶: ۳۹). البته احراز قاعده حقوق بین‌الملل عرفی، خود بایی پر پیچ‌وتاب است (زمانی، ۱۳۷۶: ۳۹). به همین خاطر، کمیسیون حقوق بین‌الملل با انتصاب آقای مایکل وود^۲ از سال ۲۰۱۲ بر آن شده است (A/CN.4/SR.3132, 2012: 16) تا به تشخیص و شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی بپردازد که به‌رغم تقدیم دو گزارش در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴^۳ از سوی وی، وعده ارائه و تقدیم گزارش سوم (A/CN.4/672, 2014: 63, 64) در سال جاری میلادی^۴ داده شده است.^۵ نوشتار حاضر نیز علی‌رغم قائل نبودن به سلسله‌مراتب میان منابع

A/RES/67/35, A/RES/65/51, A/RES/63/53, A/RES/61/61, A/RES/59/70, A/RES/57/62, A/RES/55/33.

1. A/RES/2162(XXI) A.

2. Michael Wood.

3. A/CN.4/663: First Report on Formation and Evidence of Customary International Law, Michael Wood, Special Rapporteur, 2013.

4. A/CN.4/672: Second Report on Identification of Customary International Law, Michael Wood, Special Rapporteur, 2014.

5. 2015.

۶. قواعد حقوق بین‌الملل عرفی در جرگه منابع اصلی حقوق بین‌الملل برشمرده می‌شوند.

A. Pellet, Article 38, in A. Zimmermann et al., *The Statute of the International Court of Justice: A Commentary*, 2nd edition, Oxford University Press, 2012, p. 773.

از آنجا که خصیصه بارز قواعد عرفی، انطباق‌پذیری سریع با تحولات بین‌المللی است، باید گفت که حقوق بین‌الملل عرفی به تمام معنا، عرفی است. زرنشان، شهرام. (۱۳۹۲)، شکل‌گیری و شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی، تهران: گنج دانش، ص ۲۸.

تا جایی که اگر سخن از سرایت عرفی بودن به تعریف آن رانده شود، عبث و بی‌راه نخواهد بود. خصیصه پویایی عرف، سبب شده است تا احراز آن، خود دیگر ماجرای تاییده‌ای به حساب آید که هر قاعده‌ای از این دست، آن را پیش رو دارد. تلاش‌های بسیاری در خصوص نحوه احراز، تشخیص و شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی صورت گرفته و نظرات متعدد و گوناگونی در این باره اظهار شده که مقبول‌ترین آن‌ها، نظریه «دو عنصری» است یعنی دو عنصر مادی و معنوی. «عنصر زمان» نیز به‌عنوان عنصر مقوم در عالم نظر و عمل بر این دو عنصر اساسی تأثیر می‌نهد. در برخی قضایای مطروح در محاکم بین‌المللی، نظیر دیوان بین‌المللی حقوق دریاها، محاکم بین‌المللی کیفری، ارگان‌های حل‌وفصل اختلاف سازمان جهانی تجارت، محاکم داوری میان‌دولتی و در رأس آن‌ها دیوان بین‌المللی دادگستری ضمن رسیدگی به موضوع اصلی بدین دسته از مباحث نیز اشاره و پرداخته شده است. در این باره، ن. ک:

A/CN.4/663: First Report on Formation and Evidence of Customary International Law, Michael Wood, Special Rapporteur, 2013, p.27, para. 66 and for more, see pp. 27-41 and the related footnotes.

به‌طور مثال، در قضایای فلات قاره دریای شمال، به‌دقت بر عناصر حقوق بین‌الملل عرفی نظر دوخته شده است.

North Sea Continental Shelf Cases (Federal Republic of Germany/Denmark; Federal Republic of Germany/Netherlands), ICJ Reports, 1969, paras. 60-82.

چنانچه آن‌را به اشاره می‌کند در ماده ۳۸ اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، توجه خاصی به عرف شده و در زمره سه منبع اصلی حقوق بین‌الملل به حساب آمده است.

A. Pellet, Article 38, in A. Zimmermann et al., *The Statute of the International Court of Justice: A Commentary*, 2nd edition, Oxford University Press, 2012, p. 773.

حقوق بین‌الملل، همچون دیوان بین‌المللی دادگستری در قضیه ۲۰۱۲ «مصونیت‌های صلاحیتی دولت» عمل می‌کند (ICJ, Judgment of Jurisdictional Immunities, 2012: 65)^۱ و نخست سراغ معاهده، یعنی پروتکل ژنو ۱۹۲۵ در خصوص «منع استفاده از گازهای خفه‌کننده، سمی یا سایر گازها و روش‌های جنگی باکتریولوژیک در جنگ»^۲ می‌رود تا اسیر اختلافات ناشی از احراز قاعده حقوق بین‌الملل عرفی نشود. در این پروتکل، «به کارگیری گازهای خفه‌کننده، سمی یا دیگر اقسام آن و تمامی مایعات، مواد یا وسایل مشابه و نیز استفاده از روش‌های جنگی باکتریولوژیک در جنگ» منع شده است. پروتکل یادشده، «استفاده» از این تسلیحات را مدنظر دارد و نه صرف «دراختیارداشتن» آن‌ها را (زمانی، ۱۳۷۶: ۴۱). از اوایل دهه پنجاه میلادی که موضوع تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک در دستور کار کمیته خلع سلاح سازمان ملل متحد قرار گرفت، مجمع عمومی هم در تکاپو افتاد و سالی نبود که قطعنامه صادر نکند تا جوهر مهر اعتبار پروتکل ژنو را پررنگ و پررنگ‌تر کند و به‌طور کلی بر ضرورت خلع سلاح شیمیایی-بیولوژیک تأکید ورزد. این تکاپو ثمره‌هایی چند در پی داشت. جدا از نقش درخور قطعنامه‌های هرچند غیرالزام‌آور مجمع عمومی در ایجاد عرف، حاصل دیگر تلاش صورت گرفته این بود که در سال ۱۹۷۲ کنوانسیون منع توسعه، تولید و ذخیره‌سازی سلاح‌های باکتریولوژیک (بیولوژیک) و لزوم انهدام آن‌ها به تصویب رسید (زمانی، ۱۳۷۶: ۴۱). با این همه، کنوانسیون پیش‌گفته به نبود توسعه، تولید و ذخیره‌سازی سلاح‌های بیولوژیک پرداخته است نه گازهای سمی.^۳

اعتراف عراق به استفاده از تسلیحات شیمیایی، اظهارات دیگر دولت‌ها و گزارش‌های کارشناسان سازمان ملل متحد درباره استفاده عراق از این تسلیحات (زمانی، ۱۳۷۶: ۵۶-۵۴) و نیز عضویت این کشور در پروتکل ژنو ۱۹۲۵، تردیدی در قابلیت اعمال مسئولیت مستقل عراق

جهت ملاحظه این ماده، ن.ک: <http://www.icj-cij.org/documents/index.php?p1=4&p2=2&p3=0>

۱. دیوان بین‌المللی دادگستری در شصت‌وهشتمین بند از رأی مصونیت‌های صلاحیتی دولت (آلمان علیه ایتالیا) در سال ۲۰۱۲ اظهار داشت: «... با توجه به اینکه مصونیت دولت‌ها برای اقدامات نیروهای مسلح، کاملاً خارج از حیطه شمول کنوانسیون است، اینک می‌توان به سراغ حقوق بین‌الملل عرفی رفت.»

از همین طرز تفکر دیوان می‌توان دانست که با وجود ادعای دیوان مبنی بر برابری دو منبع معاهده و عرف، عملاً در بادی امر، به بررسی معاهده پرداخته و در صورت فقدان حصول نتیجه از منبع معاهداتی، سراغ منبع دیگر یعنی عرف را گرفته است.

2. Protocol for the Prohibition of the Use in War of Asphyxiating, Poisonous or Other Gases, and of Bacteriological Methods of Warfare (1925).

۳. افزون بر این، بیش از ۱۴۰ کشور در ۱۹۹۳ میلادی طی کنفرانس خلع سلاح، کنوانسیون پاریس درباره منع توسعه، تولید، ذخیره‌سازی و به‌کارگیری تسلیحات شیمیایی و نیز ضرورت انهدام آن‌ها را امضا کردند. در این باره، ن.ک:

Goldblat, J., "The 1993 Chemical Weapons Convention: A Significant Step in the Process of Multilateral Disarmament", in Daniel Bardonnet (ed.), The Convention on the Prohibition and Elimination of Chemical Weapons: A Breakthrough in Multilateral Disarmament, RCADI., Workshop Martinus Nijhoff, 1995, p. 17.

در قبال به کارگیری این جنگ افزارها باقی نمی گذارد، چرا که هر دو عنصر انتساب و نقض تعهد در آن آشکار است. اما از آنجا که آمریکا هرگز مستقیماً طی جنگ تحمیلی علیه ایران، دست به سلاح شیمیایی نبرده و صرفاً عراق را در ارتکاب این عمل متخلفانه بین المللی کمک و مساعدت کرده است، مسئولیت مستقل در قبال اقدامات آمریکا در این مورد، قابلیت اعمال ندارد. به همین خاطر باید سراغ قسم استثنائی مسئولیت یعنی مسئولیت اشتقاقی رفت. در تلاش برای اعمال اصول مسئولیت اشتقاقی نسبت به اقدامات آمریکا در این مورد طی جنگ تحمیلی، باید گفت که رویه قضایی کافی وجود ندارد تا بتوان از رهگذر آن، پاسخی سریع به این موضوع داد. نیز لازم به ذکر است که نظام کنونی مسئولیت بین المللی از فقد شفافیت لازم در خصوص این امر رنج می برد که چه زمان و چگونه می توان مسئولیت را میان دولت ها تسهیم کرد و این امر چه نتایجی به بار خواهد آورد (Nollkaemper & Dov Jacobs, 2013: 422) که به تعبیر برانلی، اندیشمند برجسته حقوق بین الملل، «غیر مشخص»^۱ است.^۲ (Bronlie, 2008: 457)

اینک طبق همین رویه قضایی و البته از طریق رهنمودهای مقرر در طرح ۲۰۰۱، می توان به موضوع حاضر پاسخ داد. کمک یا مساعدت، یکی از سه حالت حصری در عرصه مسئولیت اشتقاقی دولت است که ماده ۱۶ از فصل چهارم به آن پرداخته است. بنابر شرح و تفسیر کمیسیون از ماده ۱۶ طرح پیش گفته، محدوده مسئولیت بابت کمک یا مساعدت، مشروط به وجود سه چیز است. اول، ارگان یا سازمان دولتی کمک یا مساعدت کننده باید از شرایطی که موجب رفتار متخلفانه بین المللی دولت می شود آگاهی داشته باشد. دوم، کمک یا مساعدت باید به منظور تسهیل ارتکاب آن فعل باشد و نیازی نیست که آن کمک یا مساعدت در انجام فعل متخلفانه بین المللی نقش اساسی داشته باشد، بلکه کافی است که در انجام آن، نقش عمده ای ایفا کند. سوم، فعل خاتمه یافته باید به گونه ای باشد که اگر توسط خود دولت کمک کننده هم انجام شده بود متخلفانه قلمداد می شد. (ILC Ybook, 2001(II,2): 65- 67)

در اثبات مسئولیت آمریکا باید گفت، افشای اسناد سازمان جاسوسی آمریکا حکایت از آن می کند که آمریکا نه تنها در خصوص استفاده عراق از سلاح های شیمیایی در جنگ آگاه بوده، بلکه پنتاگون و دولت این کشور اظهار داشته اند که استفاده از آن سلاح ها علیه سربازان،

1. Indistinct.

۲. درخور بیان است که پروژه تحقیقاتی مسئولیت اشتقاقی در حقوق بین الملل در صدد است تا با نگاهی دوباره بر مسئولیت بین المللی به مواردی بپردازد که چند بازیگر در وقوع عمل متخلفانه بین المللی ایفای نقش می کنند. نیز بر آن است تا حیطه و ماهیت مشکلات برخاسته از اقسام متعدد مسئولیت بین المللی را مشخص کند و نمایی به روز بر سازه آن براندازد. دامنه اعضا و همکاران این تیم بسیار گسترده است و از پژوهشگرانی کهنه کار نظیر قاضی کرافورد و قاضی تومکا تا دانشجویان زبده حقوق بین الملل در این طیف می گنجد. جهت آشنایی بیشتر با این تیم و آثار و برنامه های هر روزه آنان، ن.ک:

<http://www.sharesproject.nl/>

پذیرفتنی است. از این رو، منطقاً هر طرحی که از سوی امریکا ریخته می‌شد، متضمن به‌کارگیری تسلیحات شیمیایی بود. لذا در مقام تطبیق با آنچه بیان شد، آگاهی امریکا از اعمال متخلفانه عراق، تحقق شرط نخست است و نقش عمده کمک‌های این کشور به منظور تسهیل استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی، تحقق شرط دوم تلقی و تعهد این کشور به پروتکل ژنو ۱۹۲۵، مؤید وجود سومین شرط قلمداد می‌شود چرا که وفق شرط سوم با توجه به اینکه امریکا عضو پروتکل ژنو ۱۹۲۵ است اگر این اقدامات را خودش هم انجام می‌داد، نقض تعهد آن به حساب می‌آمد.

شایان بیان است که با توجه به تصویب پروتکل پیش‌گفته توسط قریب به ۱۸۵ کشور، صدور توصیه‌های نظامی و نیز تصویب مقرره‌های داخلی از سوی کشورهای مختلف در خصوص ممنوع‌دانستن استفاده از تسلیحات شیمیایی: Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: (259, 260) می‌توان گفت که ممنوعیت به‌کارگیری این سلاح خانمان‌برانداز، تبدیل به قاعده‌ای حقوقی از دسته عرف بین‌المللی شده است (ضیائی بیگدلی، ۱۳۹۲: ۲۱۴-۲۱۵).

با تدقیق در رویه داخلی ایالات متحده امریکا در خصوص تعهد این کشور، مناسب است که خاطر نشان شود که طی جنگ ایالات متحده امریکا علیه ویتنام، نیروهای امریکایی بر آن بودند تا با به‌کارگیری تسلیحات شیمیایی به اهداف خود در این جنگ برسند. قانون بزه بیگانگان^۳، این فرصت را به دست داد تا قربانیان ویتنامی دعوایی را در محاکم امریکا اقامه کنند که بر اساس آن، خسارات ناشی از نقض‌های حقوق ملل و معاهدات جبران شود. (IADL Blogpost, 2008: 1) در ۳۰ ژانویه ۲۰۰۴ میلادی، دادگاه نیویورک، شاهد طرح دعوا علیه ۳۷ سازنده شیمیایی بود که اسباب استفاده امریکا از این تسلیحات را در ویتنام فراهم آورده بودند. خواهان‌ها که خود به‌نحوی از کاربرد این گازها آسیب دیده بودند اظهار

۱. جهت مطالعه ترجمه جلد نخست (قواعد) این کتاب، ن. ک: ژان ماری هنکرتز و لوئیس دوسوالدبک، (۱۳۹۱)، حقوق بین‌المللی بشردوستانه عرفی، ترجمه دفتر امور بین‌الملل قوه قضاییه جمهوری اسلامی ایران و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، چاپ دوم، تهران: مجد.

۲. تا زمان نگارش مقاله پیش‌رو، کنوانسیون «منع گسترش، تولید، انباشت و کاربرد سلاح‌های شیمیایی و نابودی آن‌ها» کامل‌ترین معاهده در خصوص تسلیحات شیمیایی به شمار می‌آید که پنج سال پس از به‌زمین‌گذاشته‌شدن نخاصم هشت ساله عراق علیه ایران به تصویب رسید. با توجه به زمان تصویب کنوانسیون پیش‌گفته، پرداختن به ممنوعیت قراردادی حاصل از تصویب آن در دایره این جستار نمی‌گنجد، لیکن درخور یادآوری است که هر آنچه در این کنوانسیون آمده، جنبه توسعه نداشته بلکه برخی از مقرره‌های آن تدوین حقوق از پیش موجود بوده است. ن. ک: ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیر حسین، (۱۳۸۷)، حقوق بین‌الملل بشردوستانه: مشخصات مسلحانه داخلی، نشر میزان، صص ۱۴۹-۱۵۰.

3. Alien Tort Statute.

این قانون در ۱۷۸۹ میلادی به تصویب رسید.

4. Available at: <http://www.iadllaw.org/en/campaigns/Vietnamese+ victims+of+ Agent+ Orange>.

داشتند که این اقدام امریکا نقض آن چیزی است که در مجموعه مقررات لاهه ۱۹۰۷ آمده^۱ استفاده از تسلیحات سمی در جنگ را ممنوع دانسته است.^۲ در بندهای (الف)، (ب) و (ص) از ماده ۲۳ این مجموعه، افزون بر ممنوعیت ایجاد شده به موجب کنوانسیون‌های خاص، به کارگیری سم یا تسلیحات سمی... استفاده از تسلیحات، گلوله‌ها یا موادی که به گونه‌ای برآورد شده‌اند تا موجب رنج غیرضروری شوند و از بین بردن یا ضبط اموال دشمن مگر اینکه چنین خرابی یا ضبطی به فراخور مقتضیات جنگ باشد نیز به طور خاص منع شده است. (Hague Regulations, 1907: Art 23)^۳ پیش‌تر هم سربازان آمریکایی به جهت خسارات ناشی از به کارگیری این تسلیحات به خویش، تقاضای جبران خسارت کرده بودند. دعای دسته نخست از سربازان شاکی با صدور رأی به پرداخت در دهه ۸۰ میلادی فیصله یافت. در اواسط دهه ۹۰ گروه دیگری از این سربازان آمریکایی طرح دعوا کردند ولی تا سال ۲۰۰۴ که پرونده ویتنامی‌ها در این باره ثبت شد، کار آن‌ها به عقب افتاد. این بار، هم قاضی وینستین^۴ که مسئول رسیدگی به این پرونده‌ها بود و هم دادگاه استیناف، استدلالات خواهان‌های ویتنامی و سربازان آمریکایی را رد کردند و اظهار داشتند که این تسلیحات، با وجود شیمیایی بودن، سمی نبوده‌اند. از این رو نتیجه گرفتند که تنها به گیاهان آسیب رسیده است نه به نوع بشر. (IADL Blogpost, 2008: 1) صرف نظر از تبیین آنچه به عنوان نتیجه گفته شده است از مفهوم مخالف استدلالات گفته شده در این تصمیمات می‌توان دانست که استدلال تصمیمات پیش گفته به درستی بازتاب باور آنان به این مطلب است که استفاده از سلاح‌های شیمیایی در جنگ علیه افراد، مغایر با تعهدات ایالات متحده امریکا به موجب مجموعه مقررات لاهه ۱۹۰۷ تلقی می‌شود. نیز چنانچ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اشاره کرده است، سی. ان. ان. در ۱۹۹۸ اظهار داشت که ایالات متحده امریکا در جنگ علیه ویتنام از سارین^۵ که خود در خانواده سلاح‌های شیمیایی قرار دارد استفاده کرده است. وزارت دفاع امریکا در پاسخ به این موضع، اذعان کرد که از زمان جنگ جهانی دوم، به کارگیری عوامل

۱. جهت آشنایی بیشتر با این مجموعه مقررات، ن.ک: <https://www.icrc.org/ihl/INTRO/195>

۲. جهت مطالعه متن رأی ۲۰۰۴، ن.ک: <http://www.state.gov/documents/organization/87322.pdf>

3. Available at: <https://www.icrc.org/applic/ihl/ihl.nsf/Article.xsp?action=openDocument&documentId=61CDD9E446504870C12563CD00516768>.

نیز در این باره، ن.ک: صفحه ۵۸ از توضیحات حقوق دانان ویتنامی به نشانی زیر:

http://www.vn-agentorange.org/edmaterials/2ndcirbrief_text.pdf

4. Jack Weinstein.

5. Sarin.

سارین یک ترکیب شیمیایی فُسُری مخرب سیستم اعصاب و ماده‌ای بسیار سمی است که در خانواده عوامل شیمیایی مرگ آور جای می‌گیرد.

شیمیایی مرگ‌آور در خط‌مشی این کشور، ممنوع دانسته شده است.^۱

به موجب ماده ۴۷ طرح مسئولیت بین‌المللی دولت، مسئول دانستن عراق، مانع از بارکردن مسئولیت بر امریکا نیست. لذا می‌توان امریکا را مسئول قلمداد کرد تا با تکیه بر تصمیم دیوان دائمی بین‌المللی دادگستری در قضیه کارخانه کورزوف^۲ ۱۹۲۷ که برخاسته از ذات حقوق بین‌الملل است، او را متعهد به جبران خسارت از ایران دانست. حال با توجه به شرح و تفسیر کمیسیون بر ماده ۱۶، به هنگام کمک یا مساعدت دولت به دولت دیگر در ارتکاب عمل متخلفانه بین‌المللی، دولت کمک‌کننده یا مساعدت‌دهنده، صرفاً به اندازه‌ای مسئول اعمال ارتكابی خود دانسته می‌شود که در آن نقش داشته است. بنابراین اگر قرار باشد دقیق‌تر به نوع مسئولیت امریکا در این باره پرداخته شود، مسئولیت این کشور، تعاونی است. مسئولیت تعاونی امریکا بابت کمک به عراق در ارتکاب عمل متخلفانه علیه ایران، همسو با آورده دیوان بین‌المللی دادگستری طی قضایای نیکاراگوئه در دهه ۸۰ میلادی است، هنگامی که سخن از مسئولیت اشتقاقی امریکا و هندوراس به سبب زیان‌های وارد به نیکاراگوئه به میان آمد.

(Nollkaemper&Dov Jacobs, 2013: 368)

نتیجه

کوتاه‌سخن اینکه کمک و مساعدت ایالات متحده امریکا به عراق در خصوص به کارگیری تسلیحات شیمیایی طی جنگ تحمیلی علیه ایران، این بستر را فراهم می‌سازد که امریکا مسئول دانسته شود تا از ایران به عنوان کشور قربانی نقض تعهد، جبران خسارت کند چرا که مسئول بودن عراق یا هر کشور دیگر در این راه، مانع از مسئول دانستن امریکا جهت تجهیز عراق به تسلیحات شیمیایی و بیولوژیک در جنگ هشت ساله نیست. با استناد به مسئولیت اشتقاقی می‌توان امریکا را مسئول قلمداد کرد حال آنکه مسئولیت عراق، مبتنی بر مسئولیت مستقل، یعنی اصل اساسی مجموعه مواد طرح ۲۰۰۱ کمیسیون حقوق بین‌الملل در خصوص مسئولیت بین‌المللی دولت است. (ILC Ybook, 2001(II,2): 65) البته در تسهیم این مسئولیت، مسئولیت ایالات متحده امریکا به اندازه نقشی است که در این تراژدی داشته است و نه بیشتر. چنانچه پیش از این گفته شد، مسئولیت اشتقاقی، انحاء گوناگونی را در خود جای می‌دهد که مسئولیت تعاونی یکی از آنهاست. در این مورد، مسئولیت ایالات متحده امریکا از قسم مسئولیت تعاونی

1. https://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/v2_cou_us_rule74 (as cited in United States, Department of Defence, Review of allegations concerning "Operation Tailwind", 1998.7.21).

2. PCIJ, Ser. A, No. 9, Factory at Chorzów (Jurisdiction), 1927.

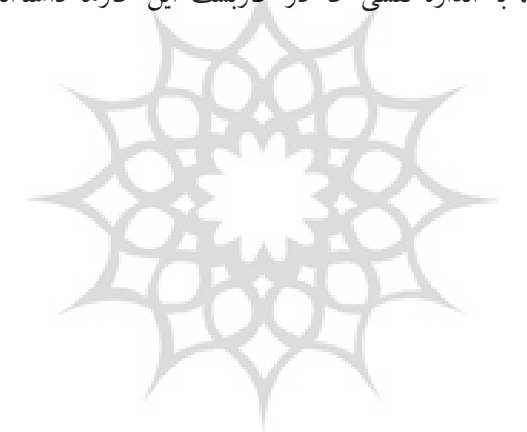
است، یعنی در جبران خسارت از سوی این کشور نباید زیاده‌روی کرد و جبران تمامی خسارات وارده در این راه را از او خواست. در ذیل، ماحصل آنچه در این مقاله رفته است می‌آید:

۱. ایالات متحده امریکا مسئول استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی علیه ایران است.

۲. مبنای مسئولیت امریکا در این مورد، مسئولیت اشتقاقی است، حال آنکه مسئولیت عراق، مسئولیت مستقل است.

۳. مسئول دانستن عراق یا هر کشور دیگر، مانع از مسئول دانستن امریکا نیست.

۴. در تسهیم مسئولیت امریکا، مسئولیت امریکا تعاونی است. این به آن معناست که کشورهایمانند امریکا که به‌نوعی در ساخت تسلیحات شیمیایی به عراق و استفاده از آن علیه ایران کمک کرده‌اند، به اندازه نقشی که در کاربست این گازها داشته‌اند مسئول قلمداد می‌شوند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

الف) فارسی

کتاب‌ها

- تیمرمن، کینت آر، (۱۳۷۳)، *سوداگری مرگ، غرب چگونه عراق را مسلح کرد*، ترجمه احمد تدین، چاپ اول، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- زرنشان، شهرام، (۱۳۹۲)، *شکل‌گیری و شناسایی حقوق بین‌الملل عرفی*، چاپ اول، تهران: گنج دانش.
- زمانی، سیدقاسم، (۱۳۷۶)، *حقوق بین‌الملل و کاربرد سلاح‌های شیمیایی در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و ارزش‌های دفاع مقدس - مدیریت ادبیات و انتشارات.
- زرنشان، شهرام، (۱۳۸۰)، *تأملی بر رعایت حقوق بی‌طرفی در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران*، چاپ اول، تهران: شهر دانش.
- زرنشان، شهرام، (۱۳۸۱)، *حقوق بشردوستانه بین‌المللی، اشغال سرزمین‌های ایران در جنگ تحمیلی*، چاپ اول، تهران: شهر دانش.
- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، (۱۳۹۲)، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه*، چاپ دوم، تهران: گنج دانش.
- علایی، حسین و خواجه کاووسی، بابک، (۱۳۷۱)، *صنایع، تسلیحات و خلع سلاح شیمیایی*، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- فلک، دیتر، (۱۳۹۲)، *حقوق بشردوستانه در مخاصمات مسلحانه*، ترجمه سیدقاسم زمانی و نادر ساعد، چاپ سوم، تهران: شهر دانش.
- مستقیمی، بهرام و طارم‌سری، مسعود، زیر نظر جمشید ممتاز، (۱۳۷۷)، *مسئولیت بین‌المللی دولت با توجه به تجاوز عراق به ایران*، چاپ اول، تهران: مجد.
- ممتاز، جمشید و رنجبریان، امیرحسین، (۱۳۸۷)، *حقوق بین‌الملل بشردوستانه: مخاصمات مسلحانه داخلی*، چاپ سوم، تهران: میزان.
- وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۶۱)، *تحلیلی بر جنگ تحمیلی رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران*، جلد اول، چاپ اول، تهران: انتشارات دفتر حقوقی وزارت امور خارجه.
- هدایتی خمینی، عباس، (۱۳۷۰)، *شورای امنیت و جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران*، چاپ اول، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

مقاله‌ها

- جعفری ولدانی، اصغر، (۱۳۶۷)، «اهداف عراق از تجاوز به ایران، بازشناسی جنبه‌های تجاوز و دفاع»، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌الملل تجاوز و دفاع، جلد دوم، دبیرخانه کنفرانس بین‌المللی تجاوز و دفاع.
- درویدیان، محمد، (۱۳۷۵)، «علل تهاجم و توقف اولیه عراق: بررسی نظریه‌های موجود»، مجله سیاست دفاعی پژوهشکده علوم دفاعی دانشگاه امام حسین (ع)، شماره‌های ۱۵ و ۱۶.
- زمانی، سیدقاسم، (۱۳۸۶)، «تأملی بر حکم دادگاه استیناف شهر لاهه (مورخ ۹ مه ۲۰۰۷) در مورد معاونت در کاربرد سلاح‌های شیمیایی توسط عراق»، مجله حقوقی بین‌المللی، شماره ۳۷.
- کاظمی، سیدعلی اصغر، (۱۳۷۰)، «مفهوم و ماهیت اصول حقوقی بی‌طرفی در جنگ‌های امروزی»، مجموعه مقالات اولین سمینار بررسی تحول مفاهیم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

پایان‌نامه

- ستایش‌پور، محمد، (۱۳۹۴)، مسئولیت اشتقاقی در نظام مسئولیت بین‌المللی، با تأکید بر طرح ۲۰۰۱ مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها و طرح ۲۰۱۱ مسئولیت بین‌المللی سازمان‌های بین‌المللی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پردیس فارابی دانشگاه تهران.

خبرگزاری‌ها

- خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، لندن، ۱۳۶۴/۱۲/۱.

- روزنامه‌الخیمینه داخبلاد، ۱۹۸۴/۳/۷.

- روزنامه رسالت، ۱۳۶۸/۵/۱۴.

(ب) انگلیسی

Books:

- Brownlie, Ian, (2008), *Principles of Public International Law*, Oxford, 7thedn, Oxford University Press.
- Crawford, James, (2013), *State Responsibility: General Part*, New York, Cambridge University Press.
- Fry, James, (2014), Attribution of Responsibility, in Nollkaemper, André. Plakokefalos, Ilias., *Principles of Shared Responsibility in*

International Law: An Appraisal of the State of the Art, Cambridge, Cambridge University Press.

- Goldblat, Joe, (1995), The 1993 Chemical Weapons Convention: A Significant Step in the Process of Multilateral Disarmament, in Bardonnnet, Daniel, (ed), *The Convention on the Prohibition and Elimination of Chemical Weapons: A Breakthrough in Multilateral Disarmament*, RCADI, Workshop Martinus Nijhoff.

- Henckaerts, Jean-Marie; Doswald-Beck, Louise, (2005), *Customary International Humanitarian Law*, Vol, I: Rules, Cambridge, Cambridge University Press, Reprinted with Corrections 2009.

- Lanovoy, Vladyslav, (2014), Complicity in an Internationally Wrongful Act, in Nollkaemper, André; Plakokefalos, Ilias, *Principles of Shared Responsibility in International Law: An Appraisal of the State of the Art*, Cambridge, Cambridge University Press.

- Nollkaemper, André (2011), Issues of Shared Responsibility before the International Court of Justice, in Rieter, Eva; Waele, Henri de, eds, *Evolving Principles of International Law: Studies in Honour of Karel Wellens*, Leiden- Boston, Martinus Nijhoff Publishers.

- Pellet, Allen, (2012), "Article 38", in A. Zimmermann et al, *The Statute of the International Court of Justice: A Commentary*, 2nd edition, Oxford, Oxford University Press.

- Stockholm International Peace Research Institute, (1974), *The problem of Chemical and Biological Warfare*, Vol. III, CBW and the Law of War.

- Talmon, Stefan, (2008), A Plurality of Responsible Actors: International Responsibility for Acts of the Coalition Provisional Authority in Iraq, in Shiner, Phil; Williams, Andrew, (ed), *The Iraq War and International Law*, Oxford, Hart Publishing, at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=1018172.

Articles:

- Agence France Presse, (2013), "US Gave Iraq Intel, Ignored Chemical Attacks in 1980s", Report Says, The Huffington Post at: http://www.huffingtonpost.com/2013/08/26/us-gave-iraq-intel-ignored-chemical-attacks_n_3817868.html

- D'Aspremont, Jean, (2007), "Abuse of the Legal Personality of International Organizations", *International Organizations Law Review*, 4.

- Fry, James, (2007), "Coercion, Causation, and the Fictional Elements of Indirect State Responsibility", *Vanderbilt Journal of Transnational Law*, 40.

- Harries, Shane; Aid, Mathew, (2013), "Exclusive: CIA Files Prove American Helped Saddam as he Gassed Iran", The Foreign Policy Group, at: <http://foreignpolicy.com/2013/08/26/exclusive-cia-files-prove-america-helped-saddam-as-he-gassed-iran/>

- Quigley, John, (1986), "Complicity in International Law: A New

Direction in the Law of State Responsibility”, BYIL, 57.

- Nollkaemper, André; Jacobs, Dov, (2013), “Shared Responsibility in International Law: A Conceptual Framework”, Michigan Journal of International Law, 34.

- Reinisch, August, (2010), “Aid or Assistance and Direction and Control between States and International Organizations”, International Organizations Law Review, 7.

- Simma, Bruno, (24.5.2012), “Presentation of Joint Responsibility in International Law: Revisiting the Oil Platforms Case”, in Nollkaemper, A. The intricacies of joint and several responsibility. University of Amsterdam - Faculty of Law, at: <http://www.sharesproject.nl/?s=joint+responsibility>

- Stein, Torsten, (1989), “Chemical Warfare”, American Society of International Law (ASIL).

- Shalom, Stephen, The United States and the Iran-Iraq War 1980-1988, at: http://www.iranchamber.com/history/articles/united_states_iran_iraq_war1.php

- The Research Unit for Political Economy (RUPE), “The Iran-Iraq War: Serving American Interests,” at: http://www.iranchamber.com/history/articles/iran_iraq_war_american_interest.php

Documents

- A/CN.4/SR.3132, (2012)

- A/CN.4/663, (2013)

- A/CN.4/672, (2014)

- A/RES/2162, (XXI) A (1966)

- A/RES/55/33, (2001)

- A/RES/57/62, (2002)

- A/RES/59/70, (2004)

- A/RES/61/61, (2007)

- A/RES/63/53, (2009)

- A/RES/65/51, (2011)

- A/RES/67/35, (2013)

- Geneva Protocol, (1925)

- Hague Regulations, (1907)

- ICJ Statute

- ILC Report on the Work of its Sixty-Third Session, UNGAOR 66thSess., Supp No 10, UN Doc A/66/10, (2011).

- ILC Yearbook, (1978), Vol II, part 2

- ILC Yearbook, (1979), Vol II, Part 2
- ILC Yearbook (2001), Vol II, part 2

Cases

- ECHR, (1989), Soering v. the United Kingdom, Ser A, No 161.
- ECHR, (1991), Varas, Cruz, and Others v. Sweden, Ser. A, No. 201
- ECHR, (1991), Vilvarajah, Nadarajah, and Others v. the United Kingdom, Ser A, No 215.
- ICJ, (1949), Corfu Channel (United Kingdom of Great Britain and Northern Ireland v. Albania).
- ICJ, (1969), North Sea Continental Shelf Cases (Federal Republic of Germany/Denmark; Federal Republic of Germany/Netherlands).
- ICJ, (1984), Military and Paramilitary Activities in and against Nicaragua (Nicaragua v. United States of America).
- ICJ, (1988), Border and Transborder Armed Actions (Nicaragua v. Costa Rica).
- ICJ, (1988), Border and Transborder Armed Actions (Nicaragua v. Honduras).
- ICJ, (1992), Certain Phosphate Lands in Nauru (Nauru v. Australia).
- ICJ, (1995), East Timor (Portugal v. Australia).
- ICJ, (2003), Case concerning Oil Platforms (Islamic Republic of Iran v. United States of America).
- ICJ, (2007), Case concerning Application of the Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide, (Bosnia and Herzegovina v. Serbia and Montenegro).
- ICJ, (2012), Jurisdictional Immunities of the State (Germany v. Italy: Greece intervening).
- PCIJ, (1927), Ser A, No 9, Factory at Chorzów (Jurisdiction)

News Agencies

- The New York Times, 1984.3.6.
- The New York Times, 1998.8.26.
- The New York Times, 1984.3.5.
- The New York Times, 2002.8.18.
- The Washington Times, 2002.12.16.

Internet Resources

- <http://www.iadllaw.org/en/campaigns/Vietnamese+victims+of+Agent+Orange> (2015.4.21)

- <http://www.icj-cij.org/docket/index.php?p1=3&p2=2>
- <https://www.icrc.org/customary-ihl/eng/docs/home>(2015.04.21)
- <http://www.nytimes.com>(2015.04.21)
- <http://www.sharesproject.nl/>(2015.04.21)
- <http://www.un.org/en/index.html>(2015.04.21)
- <http://www.vn-agentorange.org/>(2015.04.21)
- <http://www.washtimes.com>(2015.04.21)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی